

## The social position of women in Turkish steppe societies

Nuhat Moyan<sup>1</sup>

### Abstract

This research, with a descriptive approach and using first-hand sources such as inscriptions and fictional texts, sought to have an overview of the social position of women in the Turkic steppe societies of East and Central Asia. Based on this, it can be claimed that the women of these societies have an equal position with men and with a serious presence in mythology, the presence of goddesses with a female character with an influential role in the course of the first creation, having freedom and discretion in establishing social relationships, having the right to choose a spouse, Playing the role of counseling and decision-making alongside men, spiritual help and sympathy with them had a good and appropriate social status compared to other communities around them. Also, the mention of characteristics such as: heroism and fighting, housekeeping, sacrifice, loyalty and child bearing for the ideal woman in the fiction texts also shows the lack of gender view towards women in the eyes of the Turks of the steppe societies.

**Keywords:** Woman, Turk, Turkish literature, social situation, steppe societies

---

<sup>1</sup> Phd of the History, University of Tehran. Tehran. Iran. nuhatmoyan@gmail.com

Date received: 17/3/2024, Date of acceptance: 27/5/2024



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

## موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین

### نوهات نویان<sup>۱</sup>

#### چکیده

این پژوهش در باب موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین آسیای شرقی و مرکزی است. زنان این جوامع دارای موقعیتی نسبتاً برابر با مردان بودند و با حضور جدی در اساطیر، وجود الهه‌های دارای شخصیتی زنانه با نقش‌آفرینی تاثیرگذار در جریان آفرینش نخستین، داشتن آزادی و اختیار در برقراری مناسبات اجتماعی، داشتن حق انتخاب همسر، ایفای نقش مشاوره و تصمیم‌گیری کنار مردان، یاری معنوی و همدردی با ایشان از جایگاه اجتماعی خوب و مناسبی در مقایسه با سایر جوامع پیرامون خود برخوردار بودند. همچنین ذکر خصوصیات از جمله: قهرمانی و جنگاوری، خانه‌داری، فداکاری، وفاداری و فرزندآوری برای زن ایده‌آل در متون داستانی نیز نشان‌دهنده کمرنگ بودن نگاه جنسیتی نسبت به زن در نزد ترکان جوامع استپی است. این مطالعه با رویکرد توصیفی و با بهره‌گیری از منابع دست‌اول، از جمله گزارش‌های تاریخی، کتیبه‌ها و متون داستانی انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** زن، سلجوقیان، ادبیات ترکان، صحراگردان، فرهنگ عامه، اساطیر ترکان

<sup>۱</sup> دکتری تاریخ، دانشگاه تهران. تهران، ایران nuhatmoyan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷



## ۱. مقدمه

زنان که یکی از عناصر بنیادین پویایی جامعه به‌شمار می‌آیند، برخلاف مردان، به‌واسطه ویژگی‌های منحصر به‌فردی که در خلقت دارند، مورد توجه هستند. آنها که در شکل‌گیری آداب، رسوم، فرهنگ و ارزش‌های جامعه، دین، مذهب و سایر عناصر زندگی نقش مهمی دارند، در هر عصر و در هر جامعه‌ای، گاه دیده شده و از ارج و منزلت برخوردار بودند و گاه به دلایل مختلف به حاشیه رانده شده‌اند. حضور ترکان در مناطق استپی آسیای شرقی و مرکزی باعث شده بود که بسیاری از آداب و رسوم جوامع استپی در فرهنگ عمومی ترکان بازتاب پیدا کند. با وجود آنکه فرهنگ عمومی جامعه استپی به قبیله یا نژادی خاص تعلق داشت، اما از یکنواختی هم برخوردار نبود و در عین شباهت تفاوت‌هایی در میان اجزای گوناگون آن به چشم می‌خورد.

پژوهش حاضر به دنبال آن است که با بررسی منابع دست اول از جمله کتیبه‌ها و متون داستانی، مروری بر موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین در دوره پیشااسلامی داشته باشد.

## ۲. زن در فرهنگ عامه

یکی از نکاتی که موجب تمایز زنان ترک با دیگر جوامع پیرامونی‌شان می‌شد، اصل برابری زنان با مردان بود. همان‌طور که ضیاء گوک‌آلپ وجود برابری جنسیتی را نشانه‌ای از وجود برابری اجتماعی دانسته است، در بین ترکان نیز نشانه‌هایی از این برابری به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال وجود مجسمه اسب نر به عنوان نماد مردانگی و مجسمه گاو به عنوان نماد زنانگی در خانه‌ها نشانه‌ای از برابری زن و مرد شناخته می‌شد. گوک‌آلپ (1991:199,202) تاکید دارد که چون در جامعه ترکی زن کامل‌کننده مرد به حساب می‌آمد، برخلاف جوامع دیگر به عنوان تابو مطرح نمی‌شد.

ترکان استپی تحت‌تاثیر ادیان گوناگون از جمله بودایی‌گری، مانوی‌گری و اسلام قرار داشتند و به‌واسطه هر کدام از این ادیان، قوانین و رسوم ویژه‌ای در میان‌شان رواج پیدا کرده بود. لذا، در شکل‌گیری نوع نگاه به زن، بر اساس پذیرش هر یک از این ادیان

و احکام برخاسته از آنها، تفاوت‌هایی پدید می‌آید. برای درک جایگاه زن اگر بخواهیم به دین بودایی اشاره کنیم، ابتدا باید ساختار فرهنگی و اجتماعی دوران ظهور آن مورد توجه قرار گیرد. همزمان با ظهور آئین بودا در هند، زنان از نظر موقعیت اجتماعی به ویژه در زمینه اعمال مذهبی بسیار پیچیده بود. زنان حق یا اجازه این را نداشتند که متون مقدس را بخوانند، به تنهایی به خدایان هدیه دهند یا به دنبال نجات معنوی باشند. برای آنها رستگاری تنها از طریق تسلیم قلبی و خدمت به همسران ممکن بود. (Arslan, 2014:147-148) در دین بودایی، زن به مثابه مار سمی، مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث تباهی آنها می‌شود. از این نظر، بین زن و شیطان ارتباطی وجود داشت و آن اینکه زن سرچشمه عناصر شیطانی بود. به همین دلیل، بدن زن در آیین بودا منفور به شمار می‌رفت و زنان تمایلی به خلق شدن در کالبدی زنانه نداشتند. در این آیین زن مانند یک بیمار دیده می‌شود؛ زیبایی او دزدانه و جذابیت جنسی‌اش همانند زنجیر است و به همین دلیل دوری از زنان در بودایی‌گری ضروری است. (Tokyürek 2016: 303-308) با رواج آیین بودایی در میان ترکان، در نگرش و درک آنان از زن تفاوت مهمی پدید آمد که در شکل «آنا اومای» نیز تأثیر داشت. زنان جوامعی که تحت تأثیر دین بودایی بودند بر عکس زنان ترک مشارکتی در امور اداری نداشتند؛ زیرا برای زن، زیبایی و ظریف بودن بیش از هرچیز اهمیت داشت. در اینجا به ویژگی شکلی زنان به‌عنوان مثال کمر باریک، بلندی انگشت، صورت سفید و چشم کشیده تأکید می‌شد که این ویژگی‌ها در ادبیات و هنر نیز بازتاب می‌یافت. (Esin, 1991:473) در مینیاتورهای هوچو در دوره اویغوری، متعلق به قرن ۲ ق. / ۸ م.، می‌توان صورت زنی را دید که نمونه خوبی برای این ادعا است. (Esin, 1983: 140) در متون اویغوری قدیم واژگانی متأثر از آیین بودایی نسبت به زنان به کار رفته که می‌تواند بازتاب‌دهنده نوع نگرش به زنان باشد و برای فهم و درک جایگاه ایشان در آن دوره به کار بیاید. مثلاً در متون *آلتون یاروک* آمده است که «برخی از زنان با لباس‌های بلند، آرزوی دست‌یابی به بدن مرد را دارند که خواسته آنها انجام می‌شود. (Ölmez, 1991: 1, 157 III.16a; Kaya, 1994: III. 157/7-11) آن

#### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۰۷

شاهزاده خانم، وقتی مُرد، بدن زن خود را ترک کرد و به دست آوردن قدرت (رسیدن به قدرت مردانه)، در میان خدایان و انسان‌ها در همه جا...» (Kaya, 1994: II. 85/19) همان‌طور که از این متون فهمیده می‌شود، قرار گرفتن در بدن زن یک حالت نامطلوب تلقی شده و حتی همراه با یک حالت تضرع و التماس برای رهایی از آن است که نشانه‌ای از تأثیر دین بودایی در دوره اویغوری است.

از طرف دیگر متونی که تحت تأثیر دین اسلام نوشته شدند، نیز ویژگی‌های خاص خود را داشتند. در برخی از این آثار می‌توان تغییرات جایگاه زن و نقش او تحت تأثیر اسلام را ریشه‌یابی کرد. در قوتادگو بیلگ که اثری است برای هدایت و توصیه انسان‌ها به تقوا، دغدغه اصلی بروز و ظهور انسان ایده‌آل است. در این اثر زنان با ویژگی‌های منفی به چشم می‌خورند. فؤاد کوپرولو که این اثر را با بقیه آثار دوره قبل از اسلام مقایسه کرده، معتقد است دیدگاه نویسنده آن با نوع نگاهی که قبلاً در فرهنگ ترک‌ها وجود داشت، یکی نیست. او معتقد است که پیش از آن زن به‌عنوان اولین مربی بچه، ستون خانه و سرچشمه همه فضیلت‌ها بود، اما در قوتادگو بیلگ زن سرچشمه همه بدی‌ها و فاقد فضیلت دانسته شده و فقط لیاقت نگهداری خانه را دارد. این گونه داورها در باب زن باعث شده قوتادگو بیلگ از همه آثار آن دوره متفاوت باشد. (Köprülü, 1980:168) در این اثر دنیا از جهات مختلف به دختر، زن یا زن بیوه (Kutadgu Bilig, B.5029-5824) تشبیه می‌شود. بی‌وفایی و منحوس بودن زندگی دنیوی که مردم را دلباخته زیبایی‌های خود می‌کند و سپس چهره زشت خود را نشان می‌دهد، به زن و عشق تشبیه شده است. (Kutadgu Bilig, B.399-6122) همچنین زنان بیوه نیز در کنار مردمان فقیر و عاجز محتاج به حمایت دیده شده‌اند. (Kutadgu Bilig, B. 2473) از دید نویسنده چون انتخاب همسر مناسب دشوار است، ازدواج را برای مرد مضر می‌داند و توصیه می‌کند از ازدواج دوری کنند. (Kutadgu Bilig B.4483) مطابق با قوانین دین اسلام مناسب‌ترین زن برای ازدواج، زن با تقوا است. (Kutadgu Bilig, 4498) از سوی دیگر با توجه به اینکه تحت تأثیر اسلام نگاه به زن و ازدواج در بین ترکان تغییر

پیدا کرد، شب زفاف به‌عنوان شب خوشحالی دختر و عروس در نظر گرفته شده (Kutadgu Bilig, B.2380) و در قسمت دیگری زنان را ترسو نامیده و مشارکت آنها در جنگ را عامل بر هم خوردن وضع سپاه می‌بیند. (Kutadgu Bilig, B.2283-2284) از نظر این کتاب، زنان از یک‌سو عامل مُردن مردها هستند - (Kutadgu Bilig, B.4523-4525) و از طرف دیگر کاربردشان برای ادامه یافتن نسل است. همچنین در بخش دیگری آمده که طعم دنیا سه چیز است: خوردن و نوشیدن، زنی که به مرد دلداری می‌دهد و سومی تندرستی که از همه مهم‌تر است. در این متن توصیه شده که به ویژگی‌های جسمی زن از جمله زیبایی آن بیش از حد توجه نشود؛ چرا که آن چیزی که مهم است لذت بردن از برقراری رابطه جنسی است. (Kutadgu Bilig, B. 3584, 3608) تأکید قوتادگو بیلگ به اینکه زن و مرد موقع غذا خوردن با هم نباشند و غذا را جدا از هم بخورند (Kutadgu Bilig B.4517) و اینکه غریبه به خانه نیاید و زن همیشه در خانه بماند (Kutadgu Bilig, B.1303, 1304, 4514, 4520) از دیگر مواردی است که در این کتاب درباره زنان گفته شده است. همچنین در این اثر و درباره خصوصیات زن برای ازدواج، توصیه شده است که زیبا بودن اهمیتی نداشته باشد؛ بلکه زن باید باکره، خانه‌دار، متمایز، دیندار و با تربیت باشد، نسب او از خانواده‌ای ریشه‌دار و البته از مرد پایین‌تر باشد. (Kutadgu Bilig, B. 4481-4503) مجموعه مواردی که در اینجا مطرح شد، برای نشان دادن تأثیرات اسلام و سبک زندگی یکجانشینی بر فرهنگ استپی اهمیت دارد. با تأمل در دیگر آثار که توسط ترکان نگاشته شده، می‌توان دریافت که رویکرد حاکم بر قوتادگو بیلگ، زیاد دوام نیاورد. به‌عنوان مثال در دیوان حکمت (*Hikmet-Divani*) اثر احمد یسوی که یکی از قدیمی‌ترین آثار شناخته‌شده در ادبیات ترکی پس از اسلام است، تفاوت معناداری در نوع نگاه به زن به چشم می‌خورد. در این اثر که جزو اولین آثار متصوفانه و از همین رو واجد اهمیت زیادی است، بر خلاف قوتادگو بیلگ فرهنگ قبلی ترک‌های قدیم با فرهنگ اسلامی مخلوط شده و درک و فهمی جدید به وجود آورده است که بر اساس آن بین زن و مرد فرقی نگذاشته است. این اثر بین پسر و دختر

### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۰۹

تمایزی قایل نمی‌شود و یکی را از دیگری بالاتر نمی‌بیند. همچنین از زنان نیز در کنار فرزندان به عنوان عناصر مهم یاد شده است. (Yesevi, 2019: 103, 128-216) در این اثر و بر اساس احادیث، اشاره شده است که علم بر زن و مرد و بر دختر و پسر، واجب است. (Yesevi, 2019: 182) همچنین بدون اینکه بین زن و مرد تمایزی قایل شود، محبت، دوست داشتن و سخاوتمندی را توصیه کرده و ریاکاری را برای هر دو ناپسند دانسته است. علاوه بر این، احمد یسوی در حکمت‌هایش مثال‌هایی نیز از مادر و همسر پیامبر اسلام \_ خدیجه \_ آورده است. (Ahmet Yesevi, a.g.e. s.80-81)

### ۳. زن در اساطیر ترکان قدیم

کمتر جامعه‌ای را می‌توان پیدا کرد که فاقد اسطوره باشد. اسطوره‌ها به عنوان قهرمانان دست‌نیافتنی و بازگوکنندگان داستان آفرینش در هر جامعه‌ای، از حالتی تقریباً قدسی برخوردار هستند. در بسیاری از موارد، اساطیر پیوندی قوی با دین داشته و ریشه هر پدیدار را در کاینات نشان می‌دهند. هر جامعه اساطیر خاص خود را دارد و می‌توان گفت بین جوامعی که از لحاظ دینی یا جغرافیایی اشتراک وجود داشت نیز مشابهت‌هایی وجود داشته است. از جمله جوامعی که می‌توان رد پای تاریخ را در اساطیر آنان دنبال کرد، ترکان هستند. جایگاه زنان در اساطیر ترکان را گاهی به صورت پُررنگ و گاه به عنوان عاملی فرعی می‌توان دید.

مغولان و ترکان به عنوان دو گروه قومی متفاوت استپی در اساطیرشان نقاط مشترکی داشتند. مثلاً در حالی که در اساطیر ترک‌ها ماه به عنوان پدر و آفتاب به عنوان مادر در نظر گرفته می‌شد، (Ögel, 2003: 131) در فرهنگ مغولان خورشید را مادر ماه می‌دانستند، زیرا ماه درخشندگی خود را از آن می‌گرفت. (Johan de Plano, 2000: 40) در نزد «کیتان‌ها» نیز آسمان مرد و دنیا زن بود. از دید آنها خدا زنی پیر بود که به گاوی به رنگ خاکستری سوار شده بود. (Jean Paul Roux, 2008: 109-110) این اساطیر در جوامع مورد نظر به اندازه‌ای تاثیر داشتند که حتی در عرصه سیاست نیز رد پای آنان را می‌توان دید. به عنوان مثال چون در اساطیر «هون‌ها» ماه نماد مردان و آفتاب نماد زنان بود، در

نامه‌ای خطاب به امپراتور چین از او به شکل: «تانژو بزرگ هون‌ها که زاده شده از آسمان و زمین بر تخت نشسته توسط آفتاب و ماه» یاد شده است. (Gökalp, 1991: 120-121)

همچنین درباره آفرینش جد گوک‌ترک‌ها در اساطیر آنان این‌طور گفته شده که او دو زن (تابستان و زمستان) داشت که یکی از این زنان چهار پسر به دنیا آورد و هر کدام از آنها به یک‌جا رفته و برادر بزرگ خود به نام توکویه (Tuktie) را به‌عنوان رئیس انتخاب کرده بودند. او ده زن داشت و هر پسری اسم مادر خود را گرفته بود. بعد از مرگ او، این زنان برای انتخاب جانشین شوهرشان در زیر درختی دور هم جمع شده و جلسه‌ای ترتیب داده بودند، (Ögel, 2003:27-28; Esin 2001: 67-68) این داستان اسطوره‌ای علاوه بر اینکه جد اول گوک‌ترک‌ها را مرد معرفی می‌کند، تعدد زوجات برای او را یک امر معمولی به حساب آورده است، به طوری که او می‌توانست به راحتی دو الی ده زن داشته باشد. همچنین نشان می‌دهد که زن نقشی کمک‌کننده داشته که برای ادامه نسل فرزندآوری کرده است. جالب است که همه این بچه‌ها پسر بودند و این نشان‌دهنده وجود حق حکومت برای افراد ذکور خانواده است. نکته قابل تأمل دیگر اینکه پسران نام مادر خود را گرفته بودند و به زنان حق انتخاب رئیس داده شده بود. بر اساس روایتی دیگر، جد ترک‌های کوچ‌نشین پسری بود که از یک گرگ ماده به دنیا آمده بود و توسط یک پری به او این استعداد داده شده بود که بتواند باران و برف بباراند. او با دو زن که یکی‌شان دختر خدای تابستان و دیگری دختری از دایه زمستان بود، ازدواج کرده بود. (Liu, Mau-Tsai 2006, 15-16; Esin, 2001:57)

در اساطیر اویغورها نیز آمده است که خاقان هون دو دختر زیبا داشت و چون نمی‌خواست با انسان‌ها ازدواج کند، تصمیم گرفت آنها را به «گوک‌تنگری» تقدیم کند. به همین منظور در بیابان برجی درست کرد و دخترهایش را به آنجا برد تا گوک‌تنگری با آنها ازدواج کند. در این حین گرگی که سه ماه در آنجا حضور داشت، زوزه کشیده و توجه دختر خاقان را جلب کرد و این دختر که تصور می‌کرد این گرگ از سوی

#### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۱۱

گوک‌تنگری فرستاده شده، با او ازدواج کرد و فرزندان‌ی که به دنیا آورد نسل او یغور را به وجود آوردند. (Orkun, 1994: 223)

در اساطیر ترکان زنان هم مانند مردان از جایگاه مهمی برخوردار بوده و گاهی به‌عنوان الهه و گاهی به‌عنوان دختران ایزدان یا زنی که «کوت» را منتقل می‌کرد، حضور داشتند. برای مثال، ارائه پیشنهاد آفرینش جهان از سوی «آک-آنا» (Ak-ana) به «تنگری اولگن» (Ögel, 2003:444) از نمونه‌هایی است که حالت قدسی و الهه‌گونه زنان در اساطیر ترکان را نشان می‌دهد. همچنین در فرهنگ ترکان باستان، با ایزدبانوان متعدد مواجه می‌شویم. در اساطیر ترکی شرط اول تقدس یک دولت، یا از نسب توتم یا از نسب خدا بودن بنیانگذار آن بود. در این اساطیر، خدا یا به صورت ستون نور یا به صورت حیوان و گاهی انسانی در قالب زنانه ظاهر می‌شد و زنی که از یکی از این‌ها باردار می‌شد فرزندان الهی به دنیا می‌آورد که آن فرزند به حکومت ایل می‌رسید. (Gökalp, 1991: 75)

دختری که بعد از جنگی با مردی ازدواج کرده بود، هنگام رفتن به خانه مرد پی برده بود که باردار است. در ادامه داستان، زن شرح حالش را تعریف کرده که بعد از جنگ به دنبال غذا می‌گشته و زمانی که تگرگ می‌بارید، در قطرات یخی که از بالا افتاده بود دو دانه گندم پیدا کرده و آنها را خورده بود و این دو دانه گندم بعداً تبدیل به دو بچه شدند. (Ögel, 2003:56-57)

در جهان‌بینی ترکان، آسمان مرد و زمین زن محسوب می‌شد. (Esin, 2001:159)

«آی‌آتا» (Ay ata) در آسمان ششم بود و «گون‌آنا» (Gün ana) که زن بود در طبقه هفتم آسمان قرار داشت. ضیا گوک‌آلپ معتقد است که این نشانه احترام بیشتر زنان نسبت به مردان بود. (Gökalp, 1991:165) در نزد ترکان، فرمانروا نماینده خدای آسمان بر روی زمین بود که خداوند به او کوت (Kut inanc) و قدرت داده بود. در اساطیر ترکان، قهرمانان معمولاً از آسمان می‌آمدند یا با دختران خدای آسمان ازدواج می‌کردند. همانند اغوز قآن که با دختری که از آسمان آمده بود، ازدواج کرد. این موضوع در اساطیر اغوز قآن این چنین انعکاس پیدا کرده بود که «هنگامی که اغوز قآن به خدا دعا می‌کرد از

آسمان نوری نازل شد که روشن تر از خورشید و ماه بود. اوغوز قآن دید که در آن نور دختری نشسته. اغوز قآن او را دید و به زنی گرفت و از این دختر سه پسر به دنیا آمد.» (Bang ve Arat, 1936:12) جالب است که در ادامه داستان دیگر از این دختر سخنی گفته نمی‌شود؛ اما اغوز قآن با زن دیگری که او هم از نور بود ازدواج کرده و سه پسر دیگر هم از او به دنیا آورده بود. در دیگر داستان اسطوره‌ای گوک‌ترک‌ها که در آثار چینی‌ها آمده است، گرگی ماده پسرپچه‌ای از گوک‌ترکان که آخرین فرد آنها محسوب می‌شد را به غاری در شمال تورفان برده و در آنجا از آن پسر که دست و پایش بریده شده بود، ده پسر به دنیا آورد. (Ögel, 2003:20-21; Radloof, 2008 :130; Taşağıl, 2003:10; Liu Mau-Tsai, 2006:13; Esin, 1976:155) داستان اساطیری دیگری، اولگن به‌عنوان خدای آسمان صاحب نه دختر بود و فقط شمن‌ها بودند که می‌توانستند با آنها ارتباط داشته باشند. (Çoruhlu, 2000:21) این دختران در زمانی که شمن‌ها مشغول قربانی کردن برای اولگن بودند آنها را به بستر دعوت می‌کردند تا ایشان را فریب دهند و چنانچه شمن از کار اصلی خود خارج می‌شد توسط ارواح دیگر به مجازات می‌رسید. (Çoruhlu, 2000:54) همان‌طور که مشاهده می‌شود در اینجا نیز از نقش جنسیتی زن استفاده شده است که بر اساس آن زنان این قدرت را داشتند که حتی مردان روحانی را هم فریب دهند. در این اساطیر گاهی نیز به زنان ویژگی‌های متفاوتی نسبت داده می‌شد؛ از جمله قوتادگو بیللیک که در آن، آژون (Ajun) یا دنیا به عنوان زن بیوه که همه شوهران (Kutadgu Bilig: B 84) خود یعنی خاقانان قدیم ترک از جمله آلپ ار تونگا را پیر کرده و خودش عمر طولانی داشت. (Esin, 2001:157)

در دوره قبل از اسلام، ترکان و قبایل دیگر سرزمین‌های استپی تحت تسلط دین و مذاهب متفاوتی قرار گرفته بودند و چون ترکان در یک سرزمین ویژه قرار نداشتند نمی‌توان آنها را فقط بر اساس یک دین خاص مورد بررسی قرار داد. این باعث شده بود که در این سرزمین گسترده بر اساس عقاید متفاوت آنها هر کدامشان ایزدان خاص خود

### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۱۳

را داشته باشند. مانند اکثر جوامع باستانی، جامعهٔ قبیله‌ای ترکان نیز دارای ایزد و ایزدبانوانی بودند که می‌توان به چند مورد از معروف‌ترین آنها اشاره کرد.

#### ۳، ۱ اوما‌ی‌آنا (Umay)

الهه‌ای بود که از بچه‌ها و توله‌های حیوانات محافظت می‌کرد. اوما‌ی‌آنا دارای سه تکه لباس و موی سفید بود و گاهی اوقات به شکل پرنده در نظر گرفته می‌شد. (Loğoğlu, 2016:109) حسین نامق اورکون معتقد است اوما‌ی الهه‌ای بود که از بچه‌ها محافظت می‌کرد. از نظر او اصل واژهٔ اوما‌ی به زبان سانسکریت و در معنای الهه به کار رفته است (Orkun, 1994: 76). یکی از قدیمی‌ترین اسناد در مورد اوما‌ی که اشاره به مفهوم آن به‌عنوان یک الهه یا روح زن، در سنگ‌نوشته‌های اورخون است که در کتیبهٔ تونیوکوک به آن اشاره شده است. بیلگه تونیوکوک در آنجا از اوما‌ی به‌عنوان الهه‌ای که در جنگ مقابل دشمن به آنها کمک کرده بود، یاد کرده است. (Tekin, 1988:16-17; Ergin, 2009: 77; Orkun, 1994:113; Maksudi, 1947: 72)

همان‌طور که اوما‌ی در جوامع ترکی قبل از اسلام به‌عنوان ایزدبانو شناخته می‌شد، در دورهٔ بعد از اسلام نیز این جایگاه خود را حفظ کرد. بارتولد معتقد است که اسلام نتوانست به سرعت فرهنگ و باورهای قدیمی ترک‌ها را از بین ببرد. از تصور اوما‌ی در دورهٔ پیش از اسلام به‌عنوان یک الهه، در کتاب کاشغری مربوط به دورهٔ بعد از اسلام، یاد شده است. (Barthold, 2004:105) بر اساس نوشتهٔ کاشغری کسی که به اوما‌ی خدمت می‌کرد، صاحب فرزند پسر می‌شد. (Kaşgarlı, 2021 :602) همچنین در کتیبه‌های ترکی که از اوما‌ی به‌عنوان محافظ یاد شده، گاه به‌عنوان محملی که کوت را به بچه‌هایی از نسل حاکم منتقل می‌کرد هم کاربرد داشت. برای مثال در سنگ‌نوشتهٔ اورخون در قسمت شرقی کولتینگین دربارهٔ اوما‌ی صحبت شده است. در آنجا نوشته شده است: «زمانی که پدرم فوت کرد، برادرم کولتینگین هفت سال سن داشت. به لطف کوت (Kut) (ر.ک: Jean Paol Roux (1994), s.131-134). مادرم که همانند اوما‌ی است برادرم نام مردانه‌اش را گرفت.» (Tekin, 1988:17; Orkun, 1994:44; Ergin, 2009:21).

بیلگه قآن که گوینده این متن بود، مادرش را به اومای تشبیه کرده است. نکته مهم این که در اینجا به زن، کوت داده شده است و حتماً این بعد از مرگ همسرش، به زن اعطاء شده است. یعنی کوت در اینجا فقط معطوف به مرد نمی‌شد، بلکه زن نیز در این کوت شریک بود. بنابراین، کودک تازه متولد شده احتمالاً دارای جفت بوده که به عنوان «پایان» تعیین شده بود؛ یک روح به نام اومای (Paul Roux, 1994:136) گاهی اوقات در فرهنگ ترکان باستان غاز و پرند به عنوان یک نشانه کوت و بیگ بودن در نظر گرفته شده‌اند. اسم دختر آلپ ارتونگا قاز بوده (Esin, 2001: 89) و در این صورت به نظر می‌رسد که زنان نیز کوت داشتند.

در دیوارنگاره‌ای که از قبر مربوط به دوره گوک‌ترک‌ها در کودیرگه (Kudirge) پیدا شده است، تصویری منسوب به اومای به چشم می‌خورد. پژوهشگران درباره تفسیر این عکس اختلاف نظر دارند. امل اسین معتقد است که این زن با تاجی بر سر به صورت چهار زانو نشسته و این حالت منحصر به خاقانان بود. شاید در اینجا به اومای قربانی داده می‌شد. (Esin, 1991: 471, 485) فکری سلمان نیز معتقد است که در این طراحی، خاقانی با عبا و تاج که در پشتش زنی دارای عبا قرار گرفته به تصویر کشیده شده است. (Salman, 2010: 20) یاشار چروهلو نیز معتقد است این زن جلو اومای بود و مردم سوار بر اسب از او پذیرایی می‌کردند و زن عقبی نیز روح زن دیگری بود که شاید چون از زن اولی رتبه پایین‌تری داشت در پشت او قرار گرفته است. (Çoruhlu, 2007: 180) همچنین در افسانه‌های بین مردم، اومای زنی بود با کلاه خود. (Esin, 1991: 472)

۳،۲ آنا

این الهه به خدای اولگن الهام داده بود تا دنیا را به وجود بیاورد. (İnan, 1986: 44; Türköne, 1995: 101; Ögel, 2003: 570)

۳،۳ آماگات

موقعیت اجتماعی زنان در جوامع تُرک استپ‌نشین ۱۱۵

آماگات الهه هنر بود که شمن، همه هنر و نیروهای جادویی خود را از او می‌گرفت.  
(Gökalp, 1991: 85)

### ۴,۳ آیسیت (Ayisit)

او الهه زایمان بود و در داخل درختی قرار داشت. (İnan, 1986: 37) ترک‌های یاقوت به الهه زایمان «آیزیت» می‌گفتند. آیزیت محافظ ناموس هم بود. (Gökalp, 1991: 253) طبق یک باور قدیمی ترکان، پری تولدی به نام آیزیت وجود داشت و هنگام زایمان زنان به کمک آنها می‌آمد. آیزیت به کمک زنانی که عفت خود را حفظ نمی‌کردند نمی‌رفت، حتی اگر التماس یا فداکاری کرده و برای او هدایای گرانبهایی تقدیم می‌کردند.  
(Süreyya, 1988: 231)

### ۵,۳ آل کارسی

از او در بعضی متون به عنوان زن بد یاد شده و در بعضی متون دیگر، زیباترین زن در نظر گرفته شده است. (Ögel, 1995: 515)

### ۶,۳ کارتال‌آنا

ترک‌های یاقوت معتقد هستند که شمن‌ها را عقاب‌ها به زمین آوردند و کارتال‌آنا نماد آفتاب بود.

### ۷,۳ آسه‌نا

گرگی که اغوز قآن را راهنمایی کرد، آسه‌نا بود؛ ولی این گرگ در اسطوره توره‌بیش ترک‌ها ماده بود.

### ۸,۳ اوتوکن

درباره این الهه اختلاف نظر وجود دارد. الهه زمین، محافظت دولت و حاکمیت، خاک و هر چیزی که مربوط به خاک است را به او نسبت داده‌اند.

### ۹,۳ دنیز تانری چاسی

در یکی از اساطیر گوک‌ترک جد آن‌ها در غار با یک الهه دریایی که آن را تبدیل به آک گییک (Ak Geyik) کرده بود رابطه داشته است. (Loğoğlu, 2016: 109-111)

### ۱۰,۳ آبانچو کاتون/خاتون

در کتیبه ارک بتیگ (Irk Bitig) از او یاد شده است. جان پاول روکس معتقد است او ممکن است الهه‌ای باشد که ناراحتی‌ها را تسلی می‌داد. بنا بر نظر وی می‌توان آبانچو کاتون (Abınçu Katun) را به صورت «زنی که تسلی می‌داد» ترجمه کرد. (poul Roux, 1989 A: 226)

### ۴. زن در متون حماسه‌ای ترکان

حماسه‌ها صرفاً محصول ادبیات نیستند، بلکه زائیده تاریخ‌اند. گاهی حوادث تاریخی‌ای که مردم بر جای می‌گذارند تبدیل به یک اثر هنری می‌شوند. برای فهم و درک ساختار و شیوه زندگی اجتماعی یک جامعه، می‌توان حماسه‌های آن جامعه را مورد بررسی قرار داد. حماسه دده قورقورد و مناس از جمله داستان‌هایی هستند که اطلاعات ارزشمندی در مورد ساختار اجتماعی، آداب و رسوم و باورهای اقوام ترک اغوز و قرقیز به دست می‌دهند. می‌توان با کمک این متون \_هرچند خیالی\_ نگرش مردم آن زمان را نسبت به زنان فهمید.

اولین نکته‌ای که از بررسی این متون می‌توان فهمید این است که زنان تا حد زیادی از آزادی در برقراری مناسبات اجتماعی برخوردار بودند. به‌عنوان مثال، هنگامی که بامسی بیرک (Bamsı Beyrek) که همه او را مُرده می‌دانستند، بعد از ۱۵ سال به مملکت خود در کسوت یک خواننده (اوزان Ozan) برمی‌گردد، هیچ کس او را نمی‌شناسد. او ابتدا نزد خواهران خود می‌رود و علی‌رغم آنکه او را غریبه می‌دانند با او صحبت می‌کنند، به او غذا می‌دهند و به‌راحتی درباره مشکلات و ناراحتی‌های خود با هم درد و دل می‌کنند. (Ergin, 1969: 79-83) در داستان‌های دده قورقورد، زنان به صورت مادر، همسر، خواهر و دختر ظاهر شده‌اند. باید توجه داشت که زنان به‌عنوان قهرمان و عنصر اصلی در حماسه‌ها نقش ندارند، بلکه به‌صورت شخصیتی وابسته به قهرمان (مرد) حاضر هستند. با این حال باز هم زنان جزو عناصر فعال هستند و در جهت دادن به موضوع حماسه تعیین‌کننده‌اند. (Sarıtaş, 2020: 1956) از این حکایت‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت

#### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۱۷

که در کتاب دده قورقود، فضای دختران محدود به یک جا نبوده است؛ برای مثال بانی چیچک با دایه خود در یک چادر در منطقه‌ای شکاری، آزادانه زندگی می‌کرد و دیگران از ملاقات او با مردی بیگانه جلوگیری نمی‌کردند. (Ulus, 2016:42)

از خلال این متون می‌توان اطلاعاتی هم درباره ازدواج و مناسبات اجتماعی ترکان به دست آورد. برای مثال در کتاب دده قورقود و حماسه مناس که اطلاعات باارزشی از زندگی اجتماعی و فرهنگی ترک‌های اغوز و قرقیز به دست می‌دهند، نمونه‌های مختلفی از داشتن حق انتخاب برای شوهر و نیز ازدواج اجباری به چشم می‌خورد. از آن میان می‌توان به بانی چیچک (Bani Çiçek) اشاره کرد که برادرش به زور او را به یارتاجوک (Yartacuk) داده بود. (Ergin, 1969: 72-73) از طرف دیگر بعضی زنان در مورد ازدواج از حق انتخاب برخوردار بوده و با مردان مورد پسندشان ازدواج می‌کردند.

نمونه دیگری را در رابطه با آزادی زن در انتخاب شوهر می‌توان به حماسه مناس ارجاع داد. مطابق این حماسه، زنان آزاد در ازدواج آزادی نسبی داشتند. در داستان مناس شوروک خان (Şooruk Han) که هم‌نژاد مناس بود، بعد از اینکه در مقابل مناس مغلوب شد، همراه با دخترش و سی دختر دیگر برای معذرت‌خواهی به حضور مناس رفت. او تأکید کرد که همه این دخترها کنیز نیستند و آزادند تا بر اساس انتخاب خود با سپاهیان او ازدواج کنند و دختر او آقیلای (Akılay) برای ازدواج مناس را انتخاب کرد. (İnan, 1992: 24)

از جمله موضوعاتی که در این متون درباره زنان به چشم می‌خورد، مسأله تعداد زوجات است؛ هرچند که این موضوع در دده قورقود به اندازه مناس به چشم نمی‌خورد و همان‌طور که علی ترون (Torun, 1999: 148) نیز اشاره کرده است در داستان دده قورقود فقط بامسی بیرک با زن دوم ازدواج کرده که دلیل این ازدواج هم نجات بامسی بیرک توسط آن زن بود. (Ergin, 1969: 94) اما در دیگر داستان‌ها نشانه‌ای از این مورد دیده نمی‌شود و بایندر خان (Bayındır Han) حتی به خاطر نداشتن بچه به فکر زن دوم هم نمی‌افتد. (Ergin, 1969: 12) در مناس برای قآن قفچاک‌ها (İnan, 1992: 24)

31) و دیگر شخصیت‌های داستان (İnan, 1992: 149-150) از جمله جاکپ خان پدر مناس، از چندین زن یاد شده است.

در مناس، زنان به گونه‌ای متفاوت‌تر هم دیده می‌شوند. مثلاً از زن مناس \_کانیکی\_ به‌عنوان مشاور شوهر خود یاد شده است. (İnan, 1992: 58) از سوی دیگر، زنانی را هم می‌بینیم که با دشمن شوهرشان، متحد شده‌اند. (İnan, 1992: 167) در این اثر، زنان از حساسیت‌های خود حرف می‌زنند؛ مثلاً موقع به سفر رفتن سمتای، مادرش به او توصیه می‌کند که خوابی دیده و بهتر است که او از این سفر منصرف شود. (İnan, 1992: 170) در این داستان‌ها، برخی ویژگی‌ها برای زنان آمده که آنها می‌توانستند از روی حدس و گمان بفهمند که مردانشان به چه کسی باید اعتماد کنند و از چه کسی دور باشند؛ مادر و زن مناس او را نسبت به دشمنانش هشدار دادند و سرانجام هم مشخص شد که حق با آنها بوده است؛ چرا که مناس به تله دشمن افتاد و از گوش نکردن به حرف مادر و همسرش پیشمان شد. (İnan, 1992: 42)

در حماسه دده قورقود نیز می‌توان زنان را با ویژگی‌های گوناگون دید. مثلاً زنان گاهی اوقات در جامعه به‌عنوان میانجی دیده می‌شدند. مانند بوغاج که پسر دیرسه خان بود و زمانی که به‌عنوان بیگ به تخت نشست، مردهای دور و بر پدرش حسودی کرده و علیه او به پدرش دروغ گفتند و این باعث شد پدرش در نهایت او را به هنگام شکار با تیر بزند. وقتی که مادر او از این قضیه خبردار شد، با چهل زن بر اسب سوار شد و به محل شکار رفت و پسرش را نجات داد. همین مردان، بعدها خواستند دیرسا خان را اسیر کنند و به دشمن بدهند. ولی مادر بوغاج موضوع را به پسرش اطلاع داد تا پسر، پدر را نجات دهد. (Ergin, 1969: 14-24) در این ماجرا مهارت اسب‌سواری زنان موضوعی قابل توجه است. نکته دیگر آنکه هر چند بین پسر و پدرش اتفاق ناگواری افتاده باشد، زن دیرسه خان، بین پسر و شوهرش، وساطت کرد و این به ما نشان می‌دهد که زنان نقش متصل‌کننده و تضمین‌کننده وحدت و یکپارچگی خانواده را بر عهده داشتند.

#### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۱۹

از جمله دیگر مواردی که از خلال این متون درباره زنان می‌توان فهمید این‌که گاه زنان در مواقعی که قرار بود اتفاق ناگواری بیفتد آن را حس می‌کردند یا از قبل خواب آن را دیده بودند. این موضوع در چند قسمت از داستان مورد تأکید قرار گرفته است. (İnan, 1992: 119) زن در زمان حوادث ناگوار، برای شوهر تسکین‌دهنده بود و به او جسارت می‌بخشید. (İnan, 1992: 42) 121-122 زن، اولین نفری بود که شوهر به او اعتماد می‌کرد. (İnan, 1992: 124) زنان شمشیر در دست و سوار بر اسب در جنگ‌ها مشارکت داشتند. در داستان‌ها، به هنگام ضرورت، زنان با عقل و فهم و صبر و آینده‌نگری، در کنار مردانشان بودند. شخصیت زن معمولاً به شوهر توصیه می‌کرد که در برابر مسایل مختلف صبر پیشه نماید. (İnan, 1992: 42) همان‌طور که در مناس از این ویژگی زنان سخن رفته است، در حکایت‌های دده قورقود نیز از این ویژگی زنان، مثال‌هایی آمده است. در حکایات بگیل / اوغلو / امرن، سالور کازان، قلب بگیل را می‌شکند و تصمیم می‌گیرد که علیه سالور کازان شورش و از مملکت برود. زن او به او نصیحت می‌کند تا از این فکر برگردد. در نهایت بگیل که به زنش حق داده بود، حرف او را می‌پذیرد. (Ergin, 1969: 188)

در کتاب دده قورقود به زنی که طلاق داده شده باشد، اشاره‌ای نشده است و اگر زنانی بیوه هستند، به دلیل مرگ شوهرشان است. این بدین معنی است که در فرهنگ ترکان طلاق دادن یا طلاق گرفتن مسأله‌ای طبیعی و رایج نبوده است تا در این کتاب انعکاس پیدا کند. با این حال نمونه‌هایی از زن بیوه را می‌توان در حکایاتی مانند «اوشون کجا اوغلو سگرک» مشاهده کرد. زمانی که سگرک می‌خواست برادر اسیر خود را نجات دهد، به زن خود که تازه ازدواج کرده بود و هنوز با او زفاف نکرده بود، می‌گفت اگر تا سه سال نیامد بداند که مرده است و اسب او را نذر کند و هر که را دوست داشت به شوهری بگیرد. در مقابل، زن او تا آخر عمر به انتظار او ماندن را ضمانت می‌کند. (Ergin, 1969: 206-207)

فعالیت نظامی زنان در هر دو متن حماسه‌ای منعکس شده است. «اروز» در هنگام شکار به دست دشمن اسیر شده و پدرش «کازان» برای نجات دادن او راهی می‌شود و زمانی

که از آنها خبری نشد، زن او «بورلا خاتون» با چهل زن سواره و شمشیر بسته به راه افتاد تا آنها را نجات دهد. (Ergin, 1969: 104-116) شبیه این داستان در مناس نیز آمده است؛ زمانی که «آلمامبت» (Almambet) با دشمن می‌جنگید، کارش به سختی رسید تا اینکه مادرش «آلتین‌آی» (Altın Ay) سوار بر اسب و اسلحه در دست به کمک پسرش آمد. در این داستان مادر، به بیری تشبیه شده است که سرانجام پسرش را نجات داد و خودش به وسیله دشمن کشته شد. (İnan, 1992: 28) همان‌طور که مشاهده می‌شود، زنان زیر چتر مردان نبودند و به هنگام ضرورت خود وارد جنگ می‌شدند. چه به‌عنوان زن و چه به‌عنوان مادر. مانند مورد کانیکی که در موقع به جنگ رفتن پسرش «سمتای»، خود به دنبال او رفت و یاری‌اش کرد. (İnan, 1992: 145)

در فرهنگ ترکان اغوز ضیافت جایگاه مهمی داشت و در مراسم‌های ضیافت مردان به‌جز زنانشان هرچه در خانه داشتند را بر باد می‌دادند. مانند کازان که در هنگام ضیافت «اوچ اوک» و «بوز اوک» دست زنش را گرفته بیرون آمد و به مردم اجازه داد خانه‌اش را غارت کنند. ضیا گوک‌آلپ از این رسم تحت عنوان «پوتلاج» یاد کرده است. (Ergin, 1969: 231; Gökalp, 1991: 272) همچنین از این داستان‌ها می‌توان دریافت که زنان قصر یا سرای مخصوص خود را داشتند و اداره آن در اختیار خودشان بود. زن مناس قبل از اینکه همسرش به جنگ برود او را با سپاهش به قصر خود، به ضیافت دعوت کرد و چهل عروس را برای خدمت به آنها موظف کرد. او با این عروس‌ها از همسر و سپاه او استقبال کرد. این زن از محل گنج و جواهرات خاص خود هدایایی به سپاهیان داد. زن او موقع جنگ به او جرئت و دلداری می‌داد و حمایت معنوی او به شوهرش شجاعت بخشید. (İnan, 1992: 59-70)

### ۵. زن آرمانی در متون حماسی ترکان

همانند هر جامعه‌ای، در بین ترکان نیز مسأله زن ایده‌آل مطرح بود که این معیارها با توجه به دین یا سبک زندگی کوچ‌نشینی متغیر بود و این را می‌توان از آثاری که مبتنی بر فرهنگ اسلامی و تحت تأثیر زندگی کوچ‌نشینی نوشته شده است، فهمید؛ زیرا این آثار به مثابه

## موقعیت اجتماعی زنان در جوامع تُرک استپ‌نشین ۱۲۱

آیین‌هایی هستند که آنچه در جامعه اتفاق می‌افتاد یا آن چیزی که انتظار می‌رفت در جامعه وجود داشته باشد را منعکس می‌کنند. به‌عنوان مثال، زن ایده‌آل در قوتادگو بلیک با زن ایده‌آل کتاب *دده قورقوت* تفاوت فراوانی دارد.

از آنجا که در میان ترکان اولین و مهم‌ترین چیز «قهرمانی» بود، مردان ویژگی قهرمانی را از زنان نیز انتظار داشتند. در حکایات بامسی بیرک زمانی که او تصمیم به ازدواج می‌گیرد و در صحبتی که درباره آن با پدر خود دارد، چنین می‌گوید: «پدر برای من زنی پیدا کن که بدون اینکه من از جای خود بلند شوم، او بلند شده باشد، بدون اینکه من به اسب خودم سوار شوم، او سوار شده باشد، بدون اینکه من به دشمنم برسم، او برای من سر او را آورده باشد.» (Ergin, 1969: 62) بامسی بیرک برای شکار، به‌طور اتفاقی به سمت بچه نامزدشده خود بانو چیچک می‌رود. بانو چیچک خودش را به‌عنوان دایه بانو نمایش داده و می‌گوید: «بیا به شکار برویم. اگر بتوانی بر اسب من غلبه کنی، حتما بر اسب بانی نیز می‌توانی غلبه کنی، هم تیر بیاندازیم و هم کشتی بگیریم اگر بتوانی من را شکست دهی، او را هم شکست می‌دهی!» سرانجام این آزمایش انجام می‌شود و بامسی بانو را شکست می‌دهد و بانو می‌پذیرد که با این پسر ازدواج کند. (Ergin, 1969: 60-61) در حکایات *کان تورالی* نیز بر همین ویژگی زن تأکید شده است. او هم حرف‌هایی که بامسی بیرک زده بود را تکرار کرد و بالاخره با زنی که دختر تکفور ترابوزان بود و ویژگی‌های قهرمانانه داشت، ازدواج کرد. این ازدواج پس از مبارزه‌ای بزرگ انجام شد. داستان مبارزه از این قرار بود که در راه و در مکانی برای استراحت ایستاده بودند که در آنجا کان تورالی خوابش برده بود. دشمن داشت به آن‌ها حمله می‌کرد که سلجن خاتون بلافاصله با آن‌ها جنگید و کان تورالی را نجات داد و سپس در کنار او سوار بر اسب با دشمن جنگید. (Ergin, 1969: 134-152) همچنین کانیکی که زن مناسب شد، به حدی شجاع و دلیر بود که مانند یک مرد جنگجو توانست مناسب را از دست دشمنانش برهاند. (İnan, 1992: 36-39, 43) به همین ترتیب، در حماسه مناسب نیز زنان جنگجو و شجاع مورد پسند بودند. مناسب برای ازدواج یکی از سپاهیان را به سمت بخارا به دربار

«تمیر» (Temir) فرستاد تا دختر او را ببیند. این دختر با سپاهیان مناس جنگید و بر آنها غلبه کرد. مناس از این شجاعت دختر خوشش آمد و برای خواستگاری، پدرش را به بخارا فرستاد. (İnan, 1992: 36-39) همان‌طور که کاپلان نیز گفته است، هرچند ممکن است که در متن این حکایات اغراق زیادی صورت گرفته باشد اما در زندگی کوچ‌نشینان آزمودن طرفین برای شجاعت و قدرت امری ضروری بوده است. در حکایات کان تورالی نیز آمده است که در این سبک از زندگی هم برای زن و هم برای مرد، ممکن بود اتفاق ناگواری بیفتد؛ بنابراین هر دو آنها باید از ویژگی‌های قهرمانی برخوردار می‌بودند. (Kaplan, 2010: 101-102) با توجه به جزئیاتی که از جنگیدن زنان در این متون ثبت شده است، به نظر می‌رسد که در آن دوره هم زن و هم مرد به تیر انداختن، جنگیدن و سوار شدن بر اسب اهمیت زیادی می‌دادند.

علاوه بر ویژگی‌های قهرمانی و جنگاوری، ویژگی‌های دیگری نیز برای زن ایده‌آل وجود داشت که خانه‌داری و پذیرایی از میهمان یکی از آنها بود. بر اساس مقدمه دده قورقود، زنان به چهار نوع تقسیم شده‌اند. معقول‌ترین آنها زنی بود که در زمان حضور مهمان در خانه حتی اگر شوهرش هم در خانه نبود، از مهمان به خوبی پذیرایی می‌کرد. این زن مهم‌ترین فرد خانه تلقی شده است. نویسنده دده قورقود دیگر زنان را گروهی دانسته که صبح بدون آنکه دست و صورتشان را بشویند، شکم خود را پر می‌کنند و با خودشان می‌گویند از زمانی که به خانه این مرد آمدم شکم پر نشد و لبخندی نزد، ای کاش او می‌مرد تا با یکی دیگر ازدواج می‌کردم! گروه دیگر زنانی هستند که صبح بدون آنکه دست و صورتشان را بشویند غیبت می‌کنند و تا ظهر مشغول گشت و گذارند. زنان دیگر زمانی که مهمان می‌آید و شوهرشان از آنها می‌خواهد که غذا حاضر کنند، بهانه می‌آورند و می‌گویند که در خانه آرد نیست، الک نیست! و هرچه شوهرشان می‌گوید گوش نمی‌دهند. (Ergin, 1969: giriş) هرچند در این مورد مهمت کاپلان بر این باور است که این قطعه در مقدمه حماسه متعلق به ترکان کوچ‌نشین نیست و ممکن است در دوره‌های بعدی و تحت تأثیر تغییر شیوه زندگی بدان اضافه شده باشد. چرا که بهترین

### موقعیت اجتماعی زنان در جوامع ترک استپ‌نشین ۱۲۳

ویژگی زنان دده قورقود قهرمانی و مادری بود؛ ولی در اینجا زن از نظر مهمان‌نوازی و کارهای خانگی ارج و منزلت پیدا کرده است. (Kaplan, 2010: 111)

همچنین تیپ‌های زن قهرمان یا پیشرو، جایگاه مهمی در روایات عامیانه ترکان داشتند. این تیپ‌ها که عمدتاً بسته به انگیزه موفقیت در آزمون سخت با آن‌ها مواجه می‌شویم، معمولاً به صورت زنانی ظاهر شده‌اند که تن به تن با مردان می‌جنگیدند یا توانایی اداره یک گروه را به تنهایی داشتند. در این مورد و در ادبیات ترکان، زنان به سه شکل مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در دوره قبل از اسلام و کوچ‌نشینی که زنان سوار بر اسب می‌شدند، تیر می‌انداختند، مانند مردان از شمشیر استفاده می‌کردند و این‌ها ویژگی‌های زنان قهرمان بود که دده قورقود از این نمونه است. بعد از اسلام و گسترش یکجانشینی، زنان مثل مردان و حتی از مردان بیشتر از این خصایل دور شدند و بر اساس شیوه زندگی جدید صفت قهرمانی جای خود را به «عشق و لذت» داد. در شکل سوم نیز تحت تأثیر غرب تلاش شده تا زن با مرد مساوی باشد. کاپلان بر روی این تأکید می‌کند که زنان در کتاب دده قورقود بر طبق زندگی مردم کوچ‌نشین دائماً در حال حرکت هستند؛ همچنین فشار اجتماعی و دین نیز بین مرد و زن خطی نکشیده است. (Kaplan, 2010: 99) در داستان‌های دده قورقود، مسئولیت زن محدود به خانه نیست؛ بلکه زن در مواقع ضروری سوار بر اسب می‌شود و شمشیر به دست می‌گیرد. همچنین در مواقع ضروری، شوهرش را نصیحت می‌کند. زن علاوه بر هویت جنگاورانه خود، با توصیه‌های هوشمندانه و دقیقی که دارد، روابط دوجانبه را هم تنظیم می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهمی که در داستان‌های دده قورقود برای زنان ایده‌آل ذکر شده، داشتن شرافت و نجابت بود. (Kara ve Yılmaz, 2010: 201)

فداکاری و وفاداری از دیگر ویژگی‌های زن ایده‌آل بود. بهترین نمونه فداکاری، در داستان *دوها کجا اوغلو دلی دومرول* آمده است. بر اساس این داستان، بعد از مرگ مردی که عزرائیل جان او را گرفته بود، *دلی دومرول* تصمیم می‌گیرد که با او بجنگد. خدا از این حرف *دومرول* خوشش نمی‌آید و عزرائیل را برای گرفتن جان او می‌فرستد. عزرائیل برای گرفتن جان او می‌رود اما *دلی دومرول* به خدا التماس می‌کند که عزرائیل جان او را

نگیرد بلکه خود خدا جاننش را بگیرد! خدا از این سخن دلی دومرول خوشش می‌آید و می‌گوید دلی دومرول به جای جان خود، جان دیگری پیدا کند تا او آزاد شود. دومرول از مادر و پدر خود خواست تا جانشان را به او بدهند، ولی آنها قبول نکردند. او وقتی دید که کسی پیدا نمی‌شود، پیش زنش رفت تا همه دار و ندارش را به او واگذار کند. قضیه را برای زنش تعریف کرد و گفت بعد از من ازدواج کن تا بچه‌هایم یتیم نباشند. زن او که از این بابت خیلی ناراحت شده بود، از عزرائیل خواست به جای جان شوهرش، جان او را بگیرد. ولی دومرول قانع نشد و به خدا التماس کرد تا جان هر دو را با هم بگیرد. در مقابل، خدا جان هر دو را بخشید. (Ergin, 1969: 121-133) همان‌طور که مشخص است، در این داستان آنچه بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، وفاداری و فداکاری است. همچنین اهمیت خانواده نیز مشخص می‌شود زیرا دلی دومرول نمی‌توانست زندگی را بدون زن و بچه‌هایش تحمل کند و در نهایت امکان ازدواج برای زنان بیوه بود. امکان ازدواج برای زنان بیوه در متون دیگری از جمله مناس نیز به چشم می‌خورد. برای مثال زمانی که آلمامبت فهمید که نمی‌تواند به خانه خود بازگردد، وصیت کرد که اگر مرد، زنش با دوست او ازدواج کند. (İnan, 1992: 114)

فرزندآوری ویژگی دیگری است که برای زن ایده‌آل ذکر شده است و این را می‌توان از عبارات حقارت‌آمیزی که در کتاب دده قورقود درباره زنی به اسم زن قسرجا ینگه (Kısırca yenge) به کار رفته (Ergin, 1969: 87) دریافت. از این موضوع می‌توان چنین برداشت کرد که به دنیا آوردن بچه برای تعیین جایگاه زنان آن دوره اهمیت زیادی داشت. همچنین نداشتن فرزند به‌عنوان مشکل مهمی مطرح بوده است؛ به‌طوری‌که حتی به عنوان نفرین مورد استفاده قرار می‌گرفت. بر اساس داستان‌های حماسی ترکان، نه تنها بی‌فرزندگی به‌عنوان یک مشکل تلقی می‌شد، بلکه یک مقوله متمرکز بر جنسیت در مورد بچه‌دار شدن نیز وجود داشت. بر این اساس و در سلسله‌مراتب اجتماعی، داشتن پسر جایگاهی بالاتر از داشتن دختر داشت. در عین حال، این یکی از ویژگی‌های اساسی اجتماعی و فرهنگی جامعه ترک‌ها بود که ادامه نسب از طریق مردان انجام می‌شد و این

## موقعیت اجتماعی زنان در جوامع تُرک استپ‌نشین ۱۲۵

را از حکایات دیرسه خان اوغلو بوغاج‌هان می‌توان استنباط کرد. بر اساس این داستان، خان بایندر در ضیافتی که بیگ‌های اغوز را دعوت کرده بود، می‌گوید هر که فرزند پسر دارد بر روی آق اوتاغ بنشیند، هر که دختر دارد بر روی قزل اوتاغ بنشیند و هر که فرزند ندارد بر روی قارا اوتاغ بنشیند؛ زیرا هر که بچه ندارد مورد نفرین خدا قرار گرفته و ما نیز نفرینش می‌کنیم. (Ergin, 1969: 8) به این ترتیب، بچه‌دار شدن نشانه برتری در مکان نشستن بیگ‌های اغوز بر روی اوتاغ‌هایی با رنگ‌های متفاوت، بر اساس جنسیت فرزندانشان بود. در ادامه دیرسه خان که بچه نداشت، به قارا اوتاغ نشست و در هنگام بازگشت با عصبانیت نزد زنش رفت و دلیل اینکه بچه‌دار نمی‌شوند را پرسید؛ زنش به او پیشنهاد دعا، صدقه و قربانی و برپایی ضیافت داد. در این ضیافت مردم همه دعا کردند و بالاخره زن او یک پسر به دنیا آورد. (Ergin, 1969: 12) در متن مناسب نیز پدر او با اینکه دو زن داشت، می‌خواست یک فرزند پسر داشته باشد. او درباره زن خود که بچه‌دار نمی‌شد گفت: «زنی که بیوه و عقیم باشد، مانند درخت بی‌میوه است». (İnan, 1992: 6) البته، نمی‌توان گفت صرفاً داشتن پسر مورد توجه بوده است؛ زیرا در بعضی موارد بدون اینکه به دختر یا پسر بودن بچه توجه شود، فقط بر بچه‌دار شدن تأکید شده است. به‌عنوان مثال در داستان بامسی بیرک، بای پوره بیگ برای داشتن بچه پسر از مردان اطرافش خواهش می‌کرد که دعا کنند و پای پیچن بیگ نیز می‌خواست که برای داشتن دختر بچه برایش دعا کنند. (Ergin, 1969: 54)

## ۶. نتیجه گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از منابع دست‌اول، از جمله کتیبه‌ها و متون داستانی به دنبال آن بود که مروری بر موقعیت اجتماعی زنان در جوامع تُرک استپ‌نشین آسیای شرقی و مرکزی داشته باشد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، زنان در این جوامع موقعیتی برابر با مردان داشته‌اند و جنسیت آنها موجب نمی‌شد که در سلسله‌مراتب اجتماعی جایگاهی

پایین تر از مردان داشته باشند؛ هرچند تحت تأثیر پدیده‌های فرهنگی همچون ادیان، از جمله آئین بودا و دین اسلام، این وضعیت دچار تغییراتی می‌شد. با وجود اینکه آیین بودایی نگاهی بسیار منفی نسبت به زنان داشت اما ترکانی که پذیرای این آیین شدند توانستند فرهنگ خود را بر این آیین غالب کنند، به طوری که در بسیاری از موارد می‌توان ترکان بودایی را ملاحظه کرد که جایگاه زن در میان آنان نسبتی با نگاه آیین بودایی ندارد. ماجرا درباره اسلام کمی متفاوت بود و این دین با توجه به قدرت فرهنگی بیشتری که داشت، توانست وجوهی از موقعیت اجتماعی زنان را تحت تأثیر قرار دهد؛ به طوری که با مطالعه قوتادگو بیلگ می‌توان با نمونه‌هایی از آن مواجه شد. هرچند اثری مانند دیوان حکمت احمد یسوی نشان‌دهنده آن است که جامعه ترکی پس از مدتی توانسته نسبت متعادلی میان سنت‌های ترکی و تعالیم اسلامی برقرار کند.

همچنین با مطالعه متون داستانی ترکی می‌توان اطلاعات ارزشمندی درباره موقعیت اجتماعی زنان در جوامع مورد نظر به دست آورد. بر این اساس می‌توان مدعی شد که زنان در اساطیر ترکی دارای جایگاه مهمی بودند. وجود چندین الهه دارای شخصیت زنانه و نقش مهم زنان در آفرینش نخستین موجب شده بود که زنان در جهان‌بینی ترکان دارای جایگاه ویژه‌ای باشند. متون داستانی حماسی جلوه‌های مختلفی از نقش‌آفرینی زنان در جوامع ترکی را بر ما نمایان می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به داشتن آزادی و اختیار در برقراری مناسبات اجتماعی، داشتن حق انتخاب همسر، ایفای نقش مشاوره و تصمیم‌گیری کنار مردان، یاری معنوی و همدردی با ایشان اشاره کرد. همچنین خصوصیات همچون قهرمانی و جنگاوری، خانه‌داری، فداکاری، وفاداری و فرزندآوری نیز ویژگی‌هایی هستند که در این دست متون برای زنان ایده‌آل ذکر شده است.

#### کتابنامه

Arslan, Hammet (2014), "Budizm'de Kadının Konumu", *Dokuz Eylül Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, s.39, ss.147-179.

- Bang, W. ve Rahmeti, G. R. (1936), Oğuz Kağan Destanı, İstanbul: İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Türk Dili Semineri Neşriyatı.
- Bartold, Vasily Veladimirovich (2004), Orta Asya Türk Tarihi Dersleri (Haz: Hüseyin Dağ), Ankara: Çağlar.
- Çoruhlu, Yaşar (2007), Erken Devir Türk Sanatı, İç Asya 'da Türk Sanatının Doğuşu ve Gelişmesi, İstanbul: Kabalcı.
- De Plano, Johan (2000), Moğol Tarihi ve Seyahatname, Çev: Ergin Ayan, Trabzon: Derya.
- Eray Sarıtaş, Şenay (2020), "Dede Korkut Kitabı'nda Toplumsal Cinsiyet Rollerini Ekseninde Kadınlık Olgusu", Ankara: *Üçüncü Sektör Sosyal Ekonomi Dergisi* 55(3), ss.1949-1964.
- Ergin, Muharrem (1969), Dede Korkut Kitabı, İstanbul: Milli Eğitim.
- Ergin, Muharrem (2009), Orhun Abideleri, İstanbul: Boğaziçi.
- Esin, Emel (1983), Uygur Sanatı, Türk Ansiklopedisi Cilt 33 Fasikül 265, Ankara: Milli Eğitim, ss.130-141.
- Esin, Emel (1991), "Katun (Türk Kadını'na Dair)", Ankara: Erdem 7 (20). Türk Tarih Kurumu. ss.471-483.
- Esin, Emel (2001), Türk Kozmolojisine Giriş. İstanbul: Kabalcı
- Gökalp, Ziya (1991), Türk Uygarlığı Tarihi, (Haz: Yusuf Çotuksöken), İstanbul: İnkılap.
- Güneş Ulus, Asuman (2016), "Oğuz Grubu Türk Kahramanlık Destanlarında Kadın", Ankara: *Düşünce Dünyasında Türkiz Siyaset ve Kültür Dergisi* 7(39), ss.25-44.
- Has Hacıp, Yusuf (2019), Kutadgu Bilig, Haz: Muzaffer Tunçel, Ankara: Gençlik Spor.
- İnan, Abdullah (1986), Tarihte ve Bugün Şamanizm, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- İnan, Abdülkadir (1992), Manas Destanı, İstanbul: Milli Eğitim Bakanlığı Yayınları.
- Kaplan, Mehmet (2010), Dede Korkut Kitabında Kadın, Ankara: *Türkiyat Mecmuası* (9)0, ss.99-112.
- Kara, Ruhi ve Yılmaz, Oğuzhan (2010), "Dede Korkut Hikayelerinde Sosyal Hayat", *Erzincan Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi I*, ss.193-211.
- Kaşgarlı, Mahmut (2021), Divan-ü Lugat-it- Türk, Haz: Fuat Bozkurt, İstanbul: Salon.
- Kaya, Ceval (1994), Uygurca Altun Yaruk Giriş- Metin ve Dizin Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları, III. 157/7-11.

- Köprülü, Fuad (1980), Türk Edebiyatı Tarihi, İstanbul: Ötüken, s.168.
- Loğoğlu, Elif (2016), “*Halk Anlatımlarında Cinsiyet*”, Ankara: *Düşünce Dünyasında Türkiz Siyaset ve Kültür Dergisi* 7(39), ss.105-112.
- Maksudi Arsal, Sadri (1947), Türk Tarihi ve Hukuk. İstanbul: İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi.
- Mau-Tsai, Liu (2006), Çin Kaynaklarına Göre Doğu Türkleri, (Çev: Ersel Kayaoğlu ve Deniz Banoğlu), İstanbul: Selenge.
- Orkun, Hüseyin Namık (1994), Eski Türk Yazıtları. Ankara: Türk Dil Kurumu.
- Ögel, Bahaeddin (1995), Türk mitolojisi II. Ankara: Türk Tarih Kurumu, s.515.
- Ögel, Bahaeddin (2003), Türk Mitolojisi, Cilt I, 4. Baskı, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Ögel, Bahaeddin (2003), Türk Mitolojisi, Cilt I, 4. Baskı, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Ölmez, Mehmet (1991), Altun Yaruk III. Kitap, Türk Dilleri Araştırmaları Dizisi: I, Ankara, 157 III.16a.
- Özdener, Kadri Süreyya (1988), “İslam Öncesi Türklerde Kadının içtimai yeri”, İstanbul: *Sosyoloji Konferansları* 0(22). ss.225-235.
- Roux, Jean Paul (1989 A), “Orta Çağ Türk Kadını: I. Oymayazı Metinlerine Göre Kadın”, Çev: Gönül Yılmaz, Ankara: Erdem 5(3), ss.199-226.
- Roux, Jean Paul (1994), Türklerin ve Moğolların Eski Dini (Çev: Aykut Kazancıgil) İstanbul: İşaret.
- Salman, Fikri (2010), “Göktürk Dönemi Kıyafetleri”, Erzurum: *Sanat Dergisi* 0(9), ss.12-34.
- Tekin, Talat (1988), Orhun Yazıtları, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Tokyürek, Hacer (2016). “*Eski Uygur Budist Metinlerinde Şeytan Yılan Kadın İlişkisi*”, Ankara: *Türkiyat Mecmuası* 26(1), s.301-310.
- Torun, Ali (1999), “*Dede Korkut Destanlarında Kadın Hakkındaki Telakkiler ve Bunun Eski Türk Kültüründen Taşdığı İzler*”, Afyonkarahisar: *Afyon Kocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi* 1(2), ss.139-153.
- Türköne, Mualla (1995), Eski Türk Toplumunun Cinsiyet Kültürü, Ankara: Ark
- Yesevi, Ahmet (2019), Divan-ı Hikmetten Seçmeler, (Haz: Hayati Bice), Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı Kültür Yayınları.

موقعیت اجتماعی زنان در جوامع تُرک استپ‌نشین ۱۲۹

پی‌نوشت

---

<sup>۱</sup> کتاب متعلق به بودیسم است و در قرن ۸ م. از سانسکریت به زبان چینی و به احتمال زیاد در قرن ۱۰ م. به زبان اویغوری ترجمه شده است.

<sup>۲</sup> گوزن